

Tuesday, August 06, 2019
11:32 AM

«احتکار»؛ آسیب‌ها و راه‌کارهای مقابله با آن از منظر فقه و حقوق

محمد عیسی امیری^۱

چکیده

بر اساس مبانی فقهی و حقوقی، «احتکار» عبارت است از اینکه سودجویانی کالای ضروری مردم را به قصد افزایش نرخ و گران‌فروشی، به ویژه در ایام بحرانی مانند زمان جنگ، زلزله، سیل، قحطی، تحریم اقتصادی و مانند آن، پنهان نماید و با ایجاد بازار سیاه موجب آسفتگی در نظام توزیع کالا در جامعه و باعث تضییقات و دشواری شوند. این رفتار از نظر اسلام و تقریباً تمامی نظام‌های حقوقی، عملی مجرمانه است و برای جلوگیری از آسیب‌ها و پیامدهای منفی آن، در فقه و حقوق موضوعه مجازات سنگینی پیش‌بینی شده است، زیرا جرمی است که بزه‌های بسیاری را به دنبال دارد. نگارش حاضر، پدید احتکار را از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران در حوزه لغت، فقه و حقوق بررسی نموده، موضوع و دامنه احتکار، پیشینه تاریخی، عناصر تشکیل‌دهنده آن، شرایط لازم برای تحقق احتکار و در نهایت آسیب‌ها و راهکارهای آن را مطرح می‌نماید.

کلید واژه‌ها: احتکار، محتکر، ارزاق عمومی، توزیع‌کننده، باذل.

^۱. دانش‌پژوه دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی مجتمع آموزش عالی مشهد مقدس /
mohaddis86@gmail.com

مقدمه

«احتکار» پدیده‌ای است که به ظاهر اقتصاد مردم را در معرض تهدید قرار می‌دهد، ولی با یک نگاه ژرف به پیامدهای منفی آن، می‌توان به این حقیقت دست یافت که تمام ابعاد زندگی آحاد جامعه مورد هدف قرار گرفته و در معرض خطر است، زیرا در محیطی که احتکار رونق یافته باشد مردم برای دستیابی به مواد اولیه زندگی خود به موانع غیرطبیعی و ساختگی عده‌ای منفعت‌طلب مواجه می‌شوند که این موانع می‌تواند به دو صورت تحقق یابد؛ از این جهت که جنس مورد نیاز مردم، وجود دارد اما خارج از دسترس آنان است، زیرا انبارداران و منفعت‌طلبان طمع‌کار، آن را در انبارهای خود پنهان نموده‌اند و مانع از دستیابی آنان می‌شوند. جهت دوم این است که گرانی قیمت‌ها قدرت خرید مردم را از آنان سلب نموده و مردم نمی‌توانند به خوبی مایحتاج زندگی خود را تأمین نموده، از آن بهره ببرند.

بحث احتکار در فقه و حقوق موضوعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا احتکار خود، منشأ بسیاری از بزه‌های موجود از قبیل سرقت، جعل، خیانت در امانت، کلاه‌گذاری، ارتشاء و... می‌شود، از این‌رو برای جلوگیری از آسیب‌ها و پیامدهای منفی بسیاری که دارد با این پدیده به شدت مقابله نموده و آن را در زمره بزرگ‌ترین گناهان، نظیر رباخواری و قوادی و... توصیف نموده و کیفرهای سختی دنیوی و اخروی برای آن پیش‌بینی نموده است.

گفتار اول: تعریف مفاهیم و کلیات

۱. مفهوم احتکار

احتکار در لغت از ریشه «حکر» گرفته شده که به معنای ظلم، عسر، سوء معاشرت آمده است (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، ج ۳: ۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۰۸؛ محقق داماد، ۱۳۶۲: ۴۵) احتکار طعام و جمع کردن و یا حبس کردن آن به منظور گران شدن (فیروز-آبادی، بی‌تا، ج ۲: ۱۲)

خست و بد معاشرتی و حبس نمودن جنس به منظور نایابی و گرانی قیمت و... است (جوهری: ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۳۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۹۲)

با تأمل در کلمات اهل لغت این مفهوم برمی‌آید که معنی احتکار به حسب ریشه و وضع اولیه عبارت است از جمع نمودن و نگهداری هر چیزی که مورد نیاز مردم باشد و اینکه اهل لغت احتکار طعام را ذکر کرده‌اند ممکن است از باب مثال و بیان مصداق باشد.

فقها نیز همانند لغوبین کلمه «احتکار» را به معنی حبس و جمع نمودن دانسته‌اند. به عنوان نمونه بزرگانی همانند شیخ مفید، (مفید، ۱۴۱۰: ۶۱۶) شهید ثانی (عاملی، بی‌تا، ج ۳: ۲۱۸) و از علمای اهل سنت ابن حجر (محقق داماد، پیشین: ۵) این نظریه را مطرح کرده‌اند.

از ظاهر تعبیری که فقهای عظام چنین بر می‌آید که آنان درصدد تعریف ماهوی احتکار نبوده‌اند بلکه در مقام تعریف و تحدید اشیاء و خوراکی‌هایی هستند که حرمت یا کراهت آنان از روایات قابل استنباط است.

در اصطلاح حقوقدانان، احتکار، عبارت است از: «جمع‌آوری کالاهای بازرگانی به قصد و انتظار نایابی و کمیابی و فروش به قیمت گران؛ چنین شخص را محتکر گویند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۱۵) به بیان دیگر مفهوم اعم احتکار عبارت است از کاهش دادن یا متوقف نمودن جریان توزیع کالا (به صورت عام نه صرفاً خوراکی) به منظور بالا بردن قیمت و کسب درآمد بیشتر که منجر به کم‌یابی یا نایابی موقتی کالا گردد، به طوری که مردم برای دست‌یافتن بدان با مشکلات و دشواری مواجه گردند. این اقدام محتکران به منظور ایجاد تقاضای کاذب از سوی خریداران انجام می‌گیرد.

۲. موضوع احتکار و دیدگاه‌ها

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا احتکار با نگهداری و حبس نوعی خاصی از مواد غذایی تحقق می‌یابد یا هرگونه طعام و مواد غذایی مورد نیاز مردم را شامل می‌شود و یا هر نوع کالای مورد احتیاج عمومی را دربرمی‌گیرد. با دقت در تعاریف ارائه شده می‌توان گفت که در این زمینه اتفاق نظر کلی وجود ندارد، برخی با استناد به روایات، احتکار را منحصر به نوعی خاص از طعام می‌دانند، حال آنکه برخی دیگر آن را به عموم مواد غذایی مورد نیاز جامعه سرایت می‌دهند و گروه سوم از جمله حقوقدانان، احتکار را به کلیه کالاهای مورد نیاز عمومی اعم از طعام و غیرآن، تعمیم می‌بخشند.

الف) دیدگاه فقها

از دیدگاه مشهور فقهای امامیه، کالاهایی که احتکار در مورد آنها صادق است عبارت‌اند از: گندم، جو، خرما، کشمش (غلات چهارگانه معروف) و نیز روغن حیوانی. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۶۱۰)

مستند قول مشهور مجموعه روایاتی است که مشهورترین آنها روایت غیاث بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام است: «احتکار فقط در گندم، جو، خرما، کشمش و روغن حیوانی است». (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۱۶۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۱۵۹؛ شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۳:

۱۱۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۴۲۵) بعضی از فقها مانند شیخ صدوق، شهید اول و شهید ثانی و از معاصرین امام خمینی علاوه بر مواد غذایی چهارگانه، روغن زیتون را نیز از موارد احتکار نام برده‌اند که مؤید به روایاتی است. (امام خمینی، پیشین: ۶۱۱)

در مقابل، دسته‌ای دیگر مانند شیخ انصاری (ره)، احتکار را در همه انواع مواد غذایی تعمیم می‌بخشند. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۹۸) از فقهای معاصر مرحوم بهجت این نظریه را دارد. (بهجت، بی‌تا، ج ۲: ۴۷۲)

با تأمل به این نظریه، مصادیق احتکار در هر شهر، متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال در برخی شهرها قوت غالب مردم، گندم است یا در بلاد دیگر غذای اصلی و روزمره ساکنین آن برنج است که احتکار گندم یا برنج در هر کدام جرم تلقی گردد. (تبریزی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۲۷۷)

هرچند از لسان برخی روایات انحصار احتکار، در موارد خاص به دست می‌آید، ولی می‌توان علت آن را به عدم توسعه جوامع عصر حضور ائمه علیهم‌السلام و عدم گستردگی نیازهای مردم آن روزگار توجیه کرد.

این گروه از فقها این‌گونه استدلال نموده‌اند که اولاً موضوع حرمت احتکار در احادیث «طعام» است و در عرف، طعام به مواد غذایی اصلی اطلاق می‌شود که ادامه زندگی انسان غالباً به استفاده از آنها بستگی دارد. (فراهیدی، پیشین، ج ۲: ۲۵) لذا احتکار هرگونه مواد غذایی ممنوع است.

ثانیاً روایاتی که بیانگر انحصار احتکار در غلات چهارگانه و روغن می‌باشد، از نظر سندی ضعیف‌اند، در نتیجه نمی‌توان از اطلاق و شمول روایات صحیح‌السندی که دلالت بر حرمت احتکار در انواع مختلف مواد غذایی دارند، چشم‌پوشی نمود.

دسته سوم دامنه احتکار را فراتر از محدوده مواد غذایی دانسته و شامل همه نیازمندی‌های ضروری جامعه می‌دانند، هرچند به طور صریح بدان فتوا نداده‌اند. این عده از علما، ملاک اصلی برای حرمت احتکار را نیازمندی و احتیاج مردم می‌شمارند، چه این نیازمندی به سرحد ضرورت برسد یا نرسد. آنچه در لسان روایات به عنوان موضوع احتکار یاد شده، می‌توان گفت از باب ذکر مصادیق و نیز نیازهای اساسی آن زمان بوده و الا هیچ ویژگی خاصی را در زمان حاضر حداقل برای برخی از آن موارد نمی‌توان برشمرد. به عنوان مثال اگر در عصر حاضر کسی روغن حیوانی یا تمر و یا زبیب را احتکار نماید چه ضرر و خسارتی متوجه جامعه خواهد شد تا قائل به حرمت آن شویم؟ (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۳: ۱۴۴) بنابراین شایسته است ملاک برای حرمت یا کراهت احتکار در مضیقه قرار گرفتن مردم از دستیابی به مواد مورد نیاز اساسی آنان باشد، چنان که امروزه دسترسی به کالاهایی از قبیل دارو، برق، تلفن، مواد نفتی و سوختی به خصوص در فصل زمستان

و... جزو ضروریات اولیه زندگی به حساب می‌آید که در زمان صدور روایات از اغلب آنها خبری نبود. بدون شک، کسی نمی‌تواند به بهانه اینکه این کالاها در روایات جزو موارد احتکار ذکر نشده، استفاده از آن را در انحصار خود قرار دهد و مردم را از آن محروم نماید. چنانچه به روایاتی که از نبی مکرم اسلام ﷺ یا امیرالمؤمنین ﷺ راجع به اجناس مورد احتکار رسیده است با دقت بیشتری نگاه کنیم درمی‌یابیم کالاهایی که به عنوان مصداق احتکار شمرده شده، بر اساس تشخیص مصالح مسلمانان در زمان صدور حکم بوده است، لذا می‌بینیم بین آنچه رسول خدا ﷺ فرموده با آنچه امام علی ﷺ در زمان حکومتش بیان کرده، متفاوت است. در حدیث رسول اکرم ﷺ کلمه «زیت» (روغن) آمده است، ولی در حدیث امام علی ﷺ وجود ندارد و تنها پنج چیز شمرده شده است و این نکته حاکی از آن است که مصالح مسلمین و نیازمندی‌های آنان در زمان‌های مختلف متفاوت است، بنابراین لازم است شرایط زمانی و مکانی برای تعیین مصداق کالاهای مورد احتکار مورد توجه قرار گیرد و از اصرار بر انحصار احتکار در موارد خاص چشم‌پوشی گردد.

صرف‌نظر از مقتضای مدلول کلیه ادله‌ای که مورد احتکار را بر همه کالاهای ضروری که نظام حیات انسان و جامعه بدان بستگی دارد تعمیم می‌دهد، همانا مقتضای اطلاق قاعده «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام» و قاعده نفی عسر و حرج، حرمت احتکار هر چیزی است که منشأ ضرر برای مردم باشد و زندگی خصوصی و عمومی مردم را دچار عسر و حرج کند. (شمس‌الدین، ۱۳۷۸: ۱۴۳)

ب) دیدگاه حقوق‌دانان

در حقوق و قوانین موضوعه، نیز دیدگاه دسته سوم بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و مقنن با تأسی از نظر فقهای معاصر قائل به تفکیک شده و ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم را شامل گندم، جو، کشمش، خرما و روغن حیوانی و نباتی دانسته و کسانی را که اقدام به جمع و نگهداری آنها به قصد افزایش قیمت نمایند، محکوم می‌شناسد و اگر کالاهای دیگری غیر از پنج مورد مذکور را که مورد احتیاج ضروری عامه است به قصد افزایش قیمت یا امتناع از فروش به مردم و یا خودداری از فروش به دولت پس از اعلام نیاز دولت حبس و امساک نماید، در حکم محکوم محسوب و از این حیث به مجازات محکوم خواهند شد. در نتیجه ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه هر نوع کالایی است که برای مصرف افراد جامعه ضرورت دارند. (شامبیاتی، ۱۳۸۵: ج ۳: ۲۷۸)

در بند «ب» ماده ۱ قانون «مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور ایران» مصوب تاریخ ۱۹/۹/۶۹ که در آن هر نوع اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق

گران‌فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات موردنیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود آن، جرم محسوب شده است. (همان: ۲۷۳)

با نگاه گذرا به قوانین مصوب در ادوار مختلف در ایران، به این نتیجه می‌رسیم که مقنن برای مقابله با پدیده احتکار به سمت گسترش دامنه آن از خوراکی‌های صرف به سمت مایحتاج و ضروریات زندگی عمومی گرایش داشته است، چنان که حقوق نیز این دیدگاه را موردتوجه قرار داده است.

۳. پیشینه تاریخی احتکار

قدمت احتکار به زمانی برمی‌گردد که بشر اولین جوامع کوچک را تشکیل داده و زندگی جدیدی را در قالب اجتماعات شروع کرد. در این مرحله احتکار در پاره‌ای موارد عینیت یافت و در مراحل بعدی که جامعه بافت پیچیده‌تری به خود گرفت و تلویحاً تقسیم‌کار و انتخاب آزاد حرف معمول گشت، احتکار آشکارا به عنوان معضلی مهم در مقابل مصالح و نظام جامعه قرار گرفت. (همان: ۲۶۵)

نمونه‌هایی از احتکار را در روم و یونان باستان می‌توان مشاهده کرد. در مکتوبات مورخین روم باستان به موضوع احتکار اشاراتی شده است، به گونه‌ای که در هنگام جنگ‌های روم باستان هیچ‌کس حق انبارکردن اجناس و نیازهای خوراکی را نداشته و در صورت ارتکاب چنین عملی حتی به مجازات مرگ محکوم می‌گشت و در شرایط عادی هم اگر ذخیره‌سازی و انبار کردن موجب بروز قحطی می‌شد علاوه بر مجازات بدنی محاکم، کالاهای انبارشده توقیف می‌گردید.

گفتار دوم؛ عوامل و عناصر احتکار

۱. علل و عوامل پدیده احتکار

اصولاً هر پدیده‌ای که در جامعه رونق می‌یابد، ناشی از علل و عواملی است که افراد برای رسیدن به اهداف خود بدان مبادرت می‌نمایند. پدیده احتکار نیز از این قاعده مستثنی نیست، افراد محکوم بر اساس اهداف و اغراضی که دنبال می‌کند اقدام و به احتکار مواد موردنیاز ضروری جامعه مبادرت می‌نماید، به طور کلی می‌توان علل و انگیزه‌های احتکار را در موارد ذیل جستجو کرد:

الف) سودجویی و منفعت‌طلبی؛

ب) عدم آشنایی تجار و کسبه با مقررات و قوانین؛

ج) اغراض و اهداف سیاسی؛

(د) ضعف اعتقادات و بنیان‌های دینی.

الف) سودجویی و منفعت‌طلبی

شاید بتوان گفت اصلی‌ترین علت احتکار از سوی افراد، منفعت‌طلبی و سودجویی باشد که برای به دست آوردن منافع و سودهای کلان آنی، با ایجاد بازار سیاه و نایاب کردن کالا در انتظار فرصت‌های مناسب برای فروش کالا به قیمت گزاف می‌باشند و از این طریق می‌کوشند ثروت‌های دلخواه خود را با سوءاستفاده از آشفته‌بازار به وجود آمده به دست آورند، این گروه صرفاً درصدد تأمین منافع اقتصادی خود هستند و اصولاً به چیزی غیر از منافع اقتصادی خود نمی‌اندیشند.

ب) عدم آگاهی تجار و کسبه با مقررات و قوانین

از جمله عواملی که منجر به پیدایش پدیده احتکار می‌گردد، ناآگاهی کسبه نسبت به قوانین و مقررات و اخلاق حرفه‌ای آنان است. قشر عظیمی از تجار و کسبه، تجارت را فقط در خرید و فروش و تحصیل سود می‌دانند و مقررات آن را صرفاً در پرداخت مالیات و اخذ پروانه کسب خلاصه نموده‌اند و همین عدم آشنایی به مقررات بعضاً منجر به احتکار و حبس کالا و نایاب شدن آن و ایجاد بازار سیاه می‌شود، از این‌رو در آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، قبل از اقدام به فعالیت تجاری، آموزش نحوه کسب و درآمد از طریق مشروع آن، مورد تأکید قرار گرفته است، چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام هر روز قبل از رسیدگی به سایر امور کشوری در بازار کوفه در جمع بازاریان، آنان را نسبت به اخلاق حرفه‌ای‌شان گوشزد می‌فرمود و نصایح و دستورات لازم را برای آنان تبیین می‌فرمود تا مبدا در جریان معاملات خود گرفتار، اجحاف، کم‌فروشی و یا ظلم بی‌عدالتی و... علیه مستمندان و مشتریان گردند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۳۰) و می‌فرمود: «معاشر الناس، الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر». (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۷۱)

ج) اغراض و اهداف سیاسی

یکی از عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش پدیده احتکار مسائل سیاسی در یک جامعه است، زیرا عده‌ای برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود با ایجاد هرج و مرج در نظام اقتصادی و ایجاد اختلال روند توزیع کالا در بازار، بدون رعایت مصالح مردم در پی پیاده کردن اغراض سیاسی و رسیدن به اهداف خود باشند. این مسئله در عصر حاضر با توجه به توسعه صنعت و گسترش ارتباطات و مبادلات تجاری، گاه از خارج از مرزهای جغرافیای یک کشور و معمولاً با دخالت آشکار دولت‌های قدرتمند دنیا و بنگاه‌های اقتصادی مربوط به آنان که همواره به دنبال تأمین منافع سیاسی و اقتصادی خود هستند،

بر کشورهای دیگری تحمیل می‌شود. بنگاه‌های بزرگ اقتصادی با سرمایه‌های کلانی که در اختیار دارند نسبت به خرید بسیاری از مواد خام و اقلام اساسی اقدام می‌کنند و به منظور تأمین اغراض سیاسی و وارد کردن ضربات اقتصادی بر پیکره دولت‌های حریف و معارض خود، درصدد ایجاد قحطی و تورم به منظور براندازی یا تنبیه حکومت موردنظر خود می‌باشند و حتی در برخی موارد موجب اختلالات وسیع و عظیمی در سطح جهان می‌شوند و نظام‌های اقتصادی را دچار بحران می‌نمایند.

(د) ضعف اعتقادات و بنیان‌های دینی

نقش اعتقادات دینی و پایبندی به ارزش‌های معنوی در پیشگیری از وقوع جرم برکسی پوشیده نیست و اثرات غیرقابل‌انکار آن بر همگان واضح است به گونه‌ای که امروزه مکاتب جرم‌شناسی در جهت رسیدن به یک جامعه ایده‌آل و خالی از بزه، مهم‌ترین راهکار را ایجاد فضای معنوی در جامعه و ارتقای سطح اعتقادات مذهبی مردم می‌دانند. علاوه بر این مکتب حیات‌بخش اسلام مؤمنان را برادر هم شمرده (حجرات: ۱۰) و همگان را به مثابه روح واحد در کالبد‌های متفاوت و متعدد به حساب آورده است. امام صادق (ع) در جایی که حقوق برادران مؤمن را نسبت به هم برمی‌شمارد، ساده‌ترین حق یک مؤمن بر مؤمن دیگر را این می‌داند «که آنچه را برای خود می‌پسند برای وی نیز بپسندد و آنچه را برای خود روا نمی‌دارد برای وی نیز روا ندارد». (کلینی، پیشین، ج ۲: ۱۶۹) طبیعی است وقتی افراد جامعه مکلف باشند همدیگر را همانند خود دوست بدارند و نسبت به همدیگر تا این حد احساس نزدیکی و برادری نمایند، وقوع جرم و بزهکاری در چنین جامعه‌ای کاهش یافته و هیچ‌کس با توسل به گناہانی چون گران‌فروشی و احتکار به دنبال مال‌اندوزی و ایراد صدمه به پیکر جامعه بر نخواهد آمد. در چنین محیطی است که زمینه تشکیل مدینه فاضله به وجود خواهد آمد.

(ه) عناصر احتکار

هر پدیده مجرمانه که در جامعه‌ای به وجود می‌آید ناگزیر بایستی دارای عناصر سه‌گانه مادی، معنوی و قانونی باشد تا بتوان بر آن وصف مجرمانه اطلاق نمود. بزه احتکار نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود؛ ازاین‌رو هرگاه این سه عنصر در آن مشاهده گردد به عنوان یک پدیده مجرمانه تلقی خواهد شد.

(یکم) عنصر مادی

در قانون جزای ایران عنصر مادی عبارت است از وقوع یا ترک عملی که قانونگذار آن را با توجه به مواد قانونی پیش‌بینی نموده است؛ چنانچه کسی از این امر قانونی تخلف

نماید، مرتکب عنصر مادی گردیده است. به بیان دیگر عنصر مادی عبارت است از «فعل (اعم از تصمیم و اقدام) و ترک شخص مجرم که موضوع کیفر در قانون جزا واقع شده باشد» (جعفری لنگرودی، پیشین: ۴۷۶).

در امر احتکار، عنصر مادی عبارت است از فعل مثبت مادی خارجی که به صورت جمع نمودن و نگهداری کالا و ارزاق مورد نیاز و ضروری به قصد افزایش قیمت و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها تجلی می‌یابد. بدین ترتیب زمانی احتکار جرم است که این عمل مادی محترک، موجب آشفتگی در نظام جامعه و ایجاد بازار سیاه شده و موجب تضییق و دشواری عامه مردم گردد و گرنه در مورد فراوانی که عرضه بی‌رویه کالا چه بسا موجب اتلاف مال می‌شود، نگهداری کالا و ارزاق عمومی نه تنها جرم نیست بلکه از جهاتی منطبق با موازین عقلانی است. (شامبیانی، پیشین: ۲۷۵ - ۲۷۴)

دوم) عنصر معنوی

رکن دیگری که لازمه تحقق بزه است عنصر معنوی است و آن عبارت است از سوءنیت شخص مرتکب در انجام بزه، یعنی اگر فردی انبار نمودن را به منظور ایجاد بازار سیاه یا سوءاستفاده و به دست آوردن سود با توجه به ایجاد انحصار در عرضه آن محصول و ایجاد آشفتگی در بازار انجام دهد، از این‌رو میان انبارداری با احتکار تفاوت گذاشته شده است، زیرا در انبارداری نه تنها هدف سوءاستفاده از کمبود کالا و ایجاد بازار سیاه نیست، بلکه به منظور نگهداری و عرضه آن در حد نیاز بازار و در جهت تنظیم آن است. پس عنصر معنوی در امر احتکار علاوه بر سوءنیت عام مرتکب که عمل جمع‌آوری و نگهداری ارزاق و کالای مورد نیاز و ضروری عمومی است، بایستی سوءنیت خاص وی که همانا ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها جهت اخلاف در توزیع مایحتاج عمومی جامعه یا اضرار به جامعه است، نیز باید محقق گردد.

سوم) عنصر قانونی

برای اینکه بزه و جرمی احراز شود، عنصر سومی نیز لازم است که از نظر مقنن، عملی به عنوان بزه تلقی می‌گردد که خلاف قانون، انجام یا ترک گردد و مقررات قانونی دال بر منع از ارتکاب یا ترک آن وجود داشته باشد. این امر اولین باری که در خصوص احتکار در مواد قانونی ایران به عنوان جرم شناخته شد، در قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۷ راجع به احتکار کالای انحصاری دولت، مصوب ۲۹/۱۲/۱۳۱۶ است. به استناد ماده ۱۰ این قانون و ماده یک قانون جلوگیری از احتکار مصوب ۱۳۲۰، احتکار، بزه

محسوب می‌شود(همان: ۲۷۱) اما ملاک عمل و مبنای احکام صادره از شعب سازمان تعزیرات حکومتی به منظور مقابله با این بزه، ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام است که مقرر می‌دارد احتکار: عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیص مرجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت.

در نهایت در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۹ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور تصویب گردید و در بند «ب» ماده اول آن هر نوع اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات موردنیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها جرم محسوب و قابل مجازات شناخته شده است.(همان: ۲۷۳)

و) شرایط احتکار

از آنچه تاکنون مطرح شد، تا حدودی مشخص شد احتکار چیست و چه عناصر و عواملی در ایجاد آن دخیل است. آیا صرف نگهداری یا گران‌فروشی کالای مورد نیاز عمومی مشمول حکم احتکار می‌گردد یا اینکه تابع شرایط خاصی است؟ در پاسخ باید گفت: تردیدی نیست که احتکار نیز مانند بسیاری از امور دیگر تابع شرایط و احوالی است که به طور اختصار به مواردی از آن اشاره می‌گردد. آنچه از ظاهر روایات و اقوال فقها و نیز کلیات قوانین برمی‌آید، دو چیز به عنوان ملاک اصلی برای ممنوعیت احتکار شمرده شده است: نیازمندی مردم به کالای احتکاری و انحصار کالا در دست محتکر.

یعنی فروشنده و عرضه‌کننده دیگری غیر از محتکر نباشد تا مردم بتوانند از او کالای خود را تهیه کنند که در اصطلاح فقهی به آن، شرط عدم باذل طعام گفته می‌شود.(امام خمینی، پیشین، ج ۳: ۶۰۹؛ محمدحسین اصفهانی ۱۴۱۹: ۴۱۹)

یکی از مستندات فقهی شرایط مزبور صحیحہ حلبی از امام صادق علیه السلام است:

حلبی می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی مواد غذایی را احتکار می‌کند، این کار درست است؟ فرمودند: اگر مواد غذایی فراوان باشد اشکالی ندارد و اگر مواد غذایی کم باشد به طوری که مردم در سختی باشند این کار کراهت دارد و حال آنکه مردم مواد غذایی ندارند.(حرعاملی؛ پیشین: ۴۲۴، ح ۲۲۹۰۱)

یکم) شرط زمانی و مکانی

از آنجا که در برخی روایات، حداقل و حداکثر مدت احتکار را بیان فرموده، برای ایام فراوانی کالا، چهل روز و برای زمانی که سختی و قحطی است سه روز قرار داده‌اند، برخی گمان کرده‌اند کمتر از آن مدت احتکار محسوب نمی‌شود.

در مقابل، فقهای بسیاری از جمله شیخ مفید، علامه حلی و محقق حلی این نظر را نپذیرفته‌اند و معتقدند که احتکار حد و غایت ندارد و در هر زمان که نیاز مردم به طعام وجود داشته باشد و باذلی نیز نباشد بزه احتکار نیز محقق می‌شود و مشروط به زمان و مدت دیگری نیست. (شمس‌الدین، پیشین: ۴۷)

امام خمینی (ره) نیز در کتاب بیع با پذیرش این دیدگاه معتقد است که این حدیث با بعضی از احادیث دیگر منافات دارد و علاوه بر آن بسیار بعید است که شارع مقدس رضایت دهد که مردم سه روز در سختی و بلا به سر ببرند. (امام خمینی، پیشین، ج ۳: ۶۰۹)

دوم) مالک شدن کالا از راه خرید

یکی دیگر از شرایط تحقق احتکار این است که شخص کالا را خریداری نموده و انبار نموده باشد، بنابراین اگر کسی از راه‌های دیگری مثل کشاورزی، هدیه گرفتن از دیگران، ارث و ... مالک آن شود و آن را انبار کند به آن عنوان احتکار صدق نمی‌کند. این دیدگاه بعضی از فقیهان شیعه، همچون محقق کرکی و علامه حلی است که با استناد به صحیح حلی از امام صادق (ع) (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۶۶، ح ۳۹۵۶) آن را پذیرفته‌اند. (شمس‌الدین، پیشین: ۴۹)

فقهای حنبلی نیز همین دیدگاه را پذیرفته‌اند از جمله ابن قدامه در المغنی می‌نویسد: «احتکار حرام دارای سه شرط است؛ اول اینکه آن را خریداری کرده باشد، اگر به غیر خریداری به دست آورد یا غله ملک خودش را ذخیره کند محکوم نیست». (ابن قدامه، بی تا، ج ۴: ۲۸۳)

فقهای حنفی با اختلاف در جزئیات این شرط را معتبر می‌دانند و فقهای مالکی شرط خریداری از شهر را در تحقق احتکار معتبر می‌دانند، بنابراین آنچه را مالک از دست‌رنج خود از مزرعه خویش به دست می‌آورد و یا اینکه از خارج از شهر وارد می‌کند و انبار می‌کند احتکار نمی‌دانند. (شمس‌الدین، پیشین: ۵۱-۵۰)

ولی بسیاری از فقها و بزرگان امامیه از جمله شیخ انصاری (انصاری، پیشین، ج ۴: ۳۷۱)، امام خمینی (امام خمینی، پیشین، ج ۳: ۶۱۱) و ... این نظر را رد کرده‌اند، زیرا بیشتر روایات در باب احتکار به صورت مطلق آمده و آن را مقید به هیچ قید و مشروط به هیچ شرطی

– مثل مالک شدن از راه خرید – نکرده‌اند. علاوه بر آن هدف شارع از ممنوعیت احتکار بدان جهت است که مردم برای تهیه مایحتاج زندگی خود با سختی و مشکلات مواجه نشوند، از این رو فرقی بین مالک شدن از راه خرید و یا از راه‌های دیگر نیست.

گفتار سوم؛ احتکار در آموزه‌های دینی

۱. احتکار در قرآن

فقه‌های امامیه به طور کلی در مواجهه با پدیده احتکار هر حکمی را که صادر نموده‌اند – اعم از حرمت یا کراهت – مستقیماً سراغ روایات رفته‌اند و کسی قائل به دلالت آیات قرآنی بر ممنوعیت احتکار نشده است، اما برخی از علمای اهل سنت در زمینه حرمت احتکار به آیه «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل الا أن تكون تجاره عن تراض» (نساء: ۲۹) استدلال کرده‌اند که «اکل مال به باطل» عبارت است از هر روشی که در آن مالی در مسیر غیر از رضا و اجازه خداوند به مصرف برسد و یا در جهتی خرج گردد که از آن نهی کرده باشد، مانند دغل‌بازی – غش در معامله – و رشوه و قمار و احتکار. (صالح عبدالله، بی‌تا: ۱۳۶) ولی اگر به آیه شریفه با دقت نگریسته شود معلوم می‌شود که این آیه درصدد بیان حرمت معاملات غیرشرعی است و ربطی به ممنوعیت احتکار ندارد، زیرا جمله «الا أن تكون تجاره عن تراض» که تجارت کردن با رضایت طرفین باشد، یک جمله استثنائی است و می‌رساند که قسمت‌های قبلی آیه نیز مربوط به بحث تجارت و معامله است و می‌خواهد دادوستدهای غیرشرعی را که مانع رشد و توسعه جامعه است، تبیین نماید و انسان را از افتادن در ورطه این گونه مهلکات بر حذر دارد.

از طرفی آیه شریفه از حالتی نفی می‌کند که مربوط به تعامل بین دو نفر یا بیشتر باشد به قرینه کلمه «بینکم» حال آنکه احتکار به وسیله یک نفر هم تحقق پیدا می‌کند و همچنین احتکار، عملی است که معمولاً قبل از معامله و دادوستد انجام می‌گیرد و محتکر برای اینکه سود بیشتری در معامله ببرد اشیاء را احتکار و جمع‌آوری نموده و سپس در فرصت مناسب آنها را به فروش می‌رساند.

ممکن است بر خی به آیه مبارکه «ویل لكل همزه لمزه الذی جمع مالا و عدده» (همزه: ۱) و نیز آیه شریفه «الهمکم التکاثر حتی زرتم المقابر» (تکاثر: ۱) برای حرمت احتکار استناد نمایند، ولی با یک سیر اجمالی به تفاسیر، این حقیقت روشن خواهد شد که آنچه در آیات مزبور مورد نکوهش قرار گرفته، جمع‌آوری و ذخیره‌سازی ثروت و تفاخر به زیادی آن و دنیاگرایی است و هیچ‌گونه دلالت واضحی بر بحث احتکار ندارد.

۲. احتکار در روایات

بحث احتکار در روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام بسیار گسترده است. روایاتی که بیانگر سنگینی گناه و در نتیجه شدت عقوبت و عذاب دنیوی و اخروی آن است، از جمله پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «اگر بنده‌ای در حال سرقت از دنیا برود و خدا را ملاقات کند، برای من بهتر است از اینکه خدا را ملاقات کند درحالی که طعمی را احتکار کرده باشد». (عاملی، پیشین، ج ۱۷: ۱۳۷)

این فرمایش حضرت بزرگی گناه احتکار را می‌رساند، زیرا برای اغلب سارقان، فقر و نداری عامل سرقت می‌شود، ولی محتکر با داشتن اموال و ثروت به چپاول اموال مردم دست می‌زند و شاید بتوان گفت که احتکار خود به نوعی باعث فقر و در نهایت هم خود به چپاول اموال مردم می‌پردازد و هم به نحوی موجب پیدایش پدیده سرقت در جامعه می‌شود.

در بیان دیگر می‌فرمایند: هرکس خوراکی را به امید گران شدن چهل روز انبار کند از خداوند بری شده و خدا نیز از او بری و بی‌زار است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۲۷۵، ح ۹). و باز در حدیث دیگر که همانند حدیث قبلی بیانگر شدت عقاب اخروی احتکار است می‌فرماید: محتکران و آدم‌کشان در جهنم هم‌ردیف و هم‌درجه‌اند. (متقی هندی، بی‌تا، ج ۴: ۱۰۱، ح ۹۷۳۹)

امام علی علیه‌السلام در فرمان مشهور خود به مالک اشتر نویسد:

باین‌همه، بدان که بسیاری از آنان - تجار و صاحبان صنعت - در دادوستد بیش‌از اندازه سختگیر هستند و بخل‌ورزی ناپسندی دارند و به منظور سود بیشتر کالا را احتکار می‌کنند و به دلخواه نرخ گران می‌بندند و این کار برای توده مردم زیان‌بار و برای حکمرانان عیب و ننگ است. بنابراین، از احتکار جلوگیری کن، زیرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آن منع فرموده است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

در حالات امام صادق علیه‌السلام از قول متعب وکیل و خادم امام آمده است: قیمت‌های ارزاق عمومی در مدینه بالا رفت و مردم برای تهیه نان و آذوقه به زحمت افتادند. در این حال امام صادق علیه‌السلام از من پرسید چقدر آذوقه داریم، عرض کردم به اندازه‌ای که ماه‌ها نیاز ما را برطرف سازد. حضرت فرمودند هرچه داریم همه را به بازار برده بفروش. معتب می‌گوید عرض کردم در مدینه طعام نیست و ممکن است به زحمت بیفتیم. حضرت فرمود: ما نیز همانند سایر مردم به اندازه نیاز روزمره، خریداری می‌کنیم تا در تهیه نان با دیگران تفاوتی نداشته باشیم، از این به بعد، باید نان ما نیمی از گندم و نیمی از جو باشد تا در پیشگاه الهی اندازه‌گیری در زندگی را رعایت کرده باشیم. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷: ۵۹، ح ۱۲)

۳. بررسی و تحلیل روایات

از آنجا که اخبار وارده در این باب گسترده و متنوع است، چنانچه بخواهیم آنها را در یک قالب منظم و با دقت بیشتری مورد مطالعه قرار داده و در دسته‌بندی منطقی قرار دهیم، می‌توان مجموع این روایات را به پنج دسته کلی ذیل تقسیم نمود. (ر.ک: منتظری، ۱۳۶۷: ۲۳) که به جهت اختصار از هر کدام مواردی به عنوان نمونه ذکر می‌شود.

الف) اخباری که بدون هیچ قید و شرطی بر منع احتکار دلالت دارند

ورام بن اُبی فراس در کتاب خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قول جبرئیل نقل می‌کند که فرمود: «نظر به آتش جهنم افکنم وادی و گذرگاهی از سیلاب آتش دیدم که می‌جوشید. به مالک دوزخ گفتم: این آتش که چون سیلاب جوشان است از آن کیست؟ گفت از آن سه گروه، محتکران، دایم الخمرها و قوآدها». (حر عاملی، پیشین، ج ۱۷: ۴۲۶، ح ۱۱) از این بیان حضرت جایگاه اخروی چنین افرادی هم مشخص می‌شود، جایگاهی که بدون تردید یکی از بدترین و وحشتناک‌ترین جای جهنم است. از آنجاکه عمل احتکار به لحاظ محروم نمودن مردم از نیازهای اولیه زندگی آنان، ناشایسته‌ترین عمل است، امیرمؤمنان علی علیه السلام به تبیین این حقیقت پرداخته و مردم را متوجه آن ساخته است تا از انجام چنین عمل مذموم و ناپسندی دست بردارند و دریانی کوتاه و گویا این چنین فرموده است: «احتکار خوی و خصلت گناهکاران است» (نوری، پیشین، ج ۱۳: ۲۷۶، ح ۱۰)

ب) اخباری که بر منع احتکار در خصوص طعام بدون هیچ قید و شرطی دلالت دارند

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هرکس آذوقه و مواد غذایی مسلمین را احتکار نماید، خداوند او را به مرض جذام و فقر گرفتار می‌کند». (مجلسی، ج ۵۹: ۲۹۲، ب ۸۸) این فرمایش حضرت بیانگر این حقیقت است که نه تنها انسان محتکر در روز قیامت بایستی در دادگاه عدل خداوند پاسخگو باشد و عذاب الهی را بچشد، بلکه در همین دنیا هم خداوند او را گرفتار مرض جذام و فقر می‌نماید، هرچند که وی برای فرار از گرفتار شدن به آن اقدام به بزه احتکار می‌نماید.

ج) اخباری که بر منع احتکار در مدت‌زمان معین دلالت دارند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «هرکس مواد غذایی بخرد و برای اینکه آن را به مسلمانان گران بفروشد، چهل روز انبار کند و پس از چهل روز آن را بفروشد و همه درآمد آن را هم صدقه بدهد کفار گناه او نخواهد شد». (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۷۶، ح ۶) در فراز دیگر

بازهم عظمت و بزرگی گناه احتکار را یادآور شده می‌فرماید: «هرکس ارزاق عمومی را به مدت چهل روز احتکار نماید از خداوند بیزاری جسته و خداوند هم از وی بی‌زار است». (نوری، پیشین، ج ۱۳: ۲۷۵، ح ۹)

امام صادق علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید: «احتکار در موقع فراوانی اجناس چهل روز و در سختی و کمبود سه روز است، در ایام فراوانی هر چه از چهل روز بگذرد، محتکر ملعون است و در این سختی هر چه از سه روز بگذرد، محتکر مورد لعن پروردگار است». (حر عاملی، پیشین، ج ۱۷: ۴۲۳، ح ۱؛ کلینی، پیشین ج ۵: ۱۶۵، ح ۷)

د) اخباری که در صورت کمبود یا انحصار احتکار را ممنوع نموده است

مشهورترین حدیث در این مورد صحیح حلی است می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی مواد غذایی را احتکار می‌کند این کار درست است؟ فرمودند: اگر مواد غذایی فراوان باشد اشکالی ندارد و اگر مواد غذایی کم باشد به طوری که مردم در سختی باشند این کار کراهت دارد و حال آنکه مردم مواد غذایی ندارند. (حرعاملی، پیشین: ۴۲۴، باب ۲۷ از ابواب ادب تجارت، ح ۲) روایت دیگری در این زمینه، صحیح سالم حناط است که می‌گوید: «امام صادق علیه السلام من فرمودند: به چه کاری اشتغال داری؟ عرض کردم گندم می‌فروشم که گاهی بازارمان رواج دارد و گاهی کساد می‌شود و من گندم را حبس و انبار می‌کنم، آنگاه فرمود مردم درباره‌ات چه می‌گویند؟ عرض کردم می‌گویند محتکر، فرمود آیا غیر از شما کسی دیگر هم گندم می‌فروشد؟ بیان کردم من یک‌هزارم از گندم مورد خریدوفروش در شهر را می‌فروشم. فرمودند مانعی ندارد...». (منتظری، پیشین: ۴۹)

ه) اخباری که در منع احتکار در اجناس خاصی دلالت دارد

در برخی از احادیث ممنوعیت احتکار اجناس خاص صراحته‌اً نام برده شده است که مشهور فقها نیز با استناد به این حدیث، حرمت احتکار را منحصرأ در همان اجناس پذیرفته‌اند. کالاهایی که احتکار در مورد آنها صادق است عبارت‌اند از: گندم، جو، خرما، کشمش (غلات چهارگانه معروف) و نیز روغن حیوانی. مستند فتوای مشهور روایت غیاث ابن ابراهیم از امام صادق علیه السلام است که در کافی و من لایحضره الفقیه (کلینی پیشین، ج ۵: ۱۶۴، ح ۱؛ صدوق پیشین، ج ۳: ۲۶۵، ح ۳۹۵۴؛ طوسی، استبصار، ج ۳: ۱۱۴، ح ۴) و... آمده است و نیز روایتی از امام علی علیه السلام با همین عبارت که در قرب الاسناد نقل شده است. (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۳۵)

احکام متعدد ناشی از این روایات

از مجموعه روایات متنوع و احیاناً متفاوت که به ما رسیده است؛ احکام متعددی در چهار مرحله مختلف به وجود می‌آید. این مراحل چهارگانه عبارت‌اند از:

۱. مرحله پیشگیری از بروز احتکار و دستورات و توصیه‌هایی که در شرع اسلام جهت سازماندهی و برنامه‌ریزی جهت مبارزه با اسباب احتکار صادر شده است. داستان متعب خادم امام صادق (ع) که ذکرش گذشت تبیین‌کننده این مرحله است.

۲. مرحله‌ای که احتکار به وجود آمده، ولی هیچ‌گونه نارسایی و اختلاس در نظم اقتصادی جامعه به وجود نیاورده است، چراکه از جنس احتکار شده یا به حد کافی در دسترس مردم قرار دارد و یا اینکه مورد رغبت شدید مردم نیست. شیخ طوسی (ره) در النهایة و علامه حلی (ره) در التذکره احتکار در این مرحله را بلامانع می‌دانند.

۳. مرحله‌ای که احتکار باعث کمبود مواد و بروز اختلالاتی در کار داد و ستد شود، اما نه به گونه‌ای که مردم و جامعه در اضطراب و زحمت زیاد بیفتند، چون هنوز جنس مذکور به کلی نایاب نشده و کم‌وبیش در بازار یافت می‌شود. بحث اصلی فقهی راجع به حرمت یا کراهت احتکار در این مرحله پدیدار می‌شود.

۴. مرحله آخر، مرحله‌ای است که احتکار باعث برهم خوردن وضع عادی اجتماع و اختلال نظم عمومی اقتصادی شده و مردم از به دست آوردن مایحتاج زندگی خویش عاجز شده و در عسر و حرج به سر می‌برند. بررسی فقهی نشان می‌دهد که در این مرحله تردیدی بر حرمت احتکار وجود ندارد. (شامبیاتی، پیشین: ۳۶۹-۳۶۷)

گفتار چهارم؛ آسیب‌ها و راهکارهای احتکار

۱. آسیب‌های ناشی از احتکار

احتکار از مسائلی است که مستقیماً با مصالح جامعه مرتبط است به گونه‌ای که همه افراد پیامدهای منفی و مخرب و نیز تا حدودی فلسفه اجمالی تحریم آن را درک می‌کنند، با این حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که فلسفه تحریم احتکار چیست؟ و چرا شارع مقدس و به تبع آن قانونگذار تا این حد در مقابل محتکران موضع سختی اتخاذ نموده است؟

در پاسخ می‌توان گفت احتکار یکی از پدیده‌های نامیمون اقتصادی است که علاوه بر آثار مخرب اقتصادی، می‌تواند آسیب‌های متعدد اجتماعی و روانی نیز برای جامعه در پی داشته باشد، زیرا با کمیاب شدن کالای ضروری، اولین اثر آن، گران شدن انواع کالای احتکار شده است که در این صورت درصد بیشتری از بودجه خانوار بایستی صرف خرید کالاهای ضروری شود و از تهیه بسیاری از نیازمندی‌های خود چشم‌پوشی نموده و در

مخارج تعلیم تربیت بهداشت و... صرفه‌جویی نمایند که این امر موجب ایجاد مشکلات و فشارهای روانی بسیاری بر اعضای خانواده خواهد شد، لذا آسیب‌های احتکار صرفاً متوجه خریدار یا فروشنده نیست، بلکه از مسائل مرتبط به کل جامعه است و آثار متعددی را به دنبال دارد. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

الف) افزایش تورم

به تبع احتکار کالاهای ضروری، فروشندگان کالاهای غیرضروری نیز برای حفظ درآمد خویش، اقدام به بالا بردن نرخ محصولات خود می‌نمایند. بدیهی است این نوع اقدامات موجب افزایش تورم کلیه نرخ‌ها می‌گردد، در نتیجه زیان ناشی از تورم مزبور عمدتاً بر خانواده‌هایی که دارای درآمد پایین هستند تحمیل می‌گردد که خود به یک معضلی برای اجتماع تبدیل می‌گردد که منشاء بسیاری از بزهکاری‌ها خواهد بود. درصد زیادی از بزه‌های موجود از قبیل قتل، آدم‌ربایی، سرقت، جعل و تزویر، کلاه‌گذاری خیانت در امانت، ارتشاء، افزایش بی‌اعتمادی و بدبینی، و بی‌نظمی‌های دیگر ریشه در این نوع جو ناسالمی دارد که بر جامعه مستولی شده است.

ب) تغییر نقش تاجر از تأمین‌کننده نیازمندی‌های مردم به موجود آسیب‌رسان

تاجر و توزیع‌کننده کالا که نقش واسطه میان تولیدکننده و مصرف‌کننده را دارد اگر به جای رساندن کالای ضروری به دست مصرف‌کنندگان، آن را در انبارها پنهان کنند و با ایجاد بازار سیاه بخواهد کالا را به قیمت بیشتری به دست مصرف‌کننده برساند فلسفه وجودی و نقش اصلی خود را به کلی نقض کرده و به موجود خطرناک در عرصه اقتصادی تبدیل می‌شوند. از این رو امیرمؤمنان علی (ع) در منشور جاویدانه خود به مالک اشتر به نقش اساسی تاجر و سیستم توزیع کالا در جامعه اشاره لطیفی دارند و می‌فرماید:

مراقب بازرگانان و صنعتگران باش و سفارش کن نسبت به آنها نیکی کنند چه آنهایی که در یک مرکز اقامت گزیده‌اند و چه آنهایی که سرمایه خود را به هر سو می‌فرستند و شخصاً به دنبال جلب و جذب نیازمندی‌های مردم از این نقطه به آن نقطه می‌روند، وجود آنها برای جامعه ضروری است، چرا که سبب آسایش مردم و جذب منافع از نقاط دوردست، در خشکی و دریا و کوه و صحرا هستند. (نهج البلاغه:

نامه ۵۳)

بنابراین نقش اصلی تاجران در برابر سود عادلانه است نه سودی که از طریق احتکار یا سوءاستفاده از نیازهای مبرم و اساسی مردم به دست آید چنانکه امام صادق (ع) نیز در واکنش به رفتار غلامش «مصادف» که با مجموعه از تاجران به مصر رفته و در یک تبانی منفعت طلبانه با سود دوچندان برگشتند، اصل سرمایه خود را برداشته و سود حاصله

را نپذیرفت و فرمود: «لَا حَاجَةَ لَنَا فِي هَذَا الرِّيحِ»، سپس فرمود: «ای مصادف زد و خورد کردن با شمشیر، آسان‌تر است از طلب حلال». (کلینی پیشین، ج ۵: ۱۶۲-۱۶۱؛ میرزا حسین، نوری، بی‌تا، ج ۵: ۲۶۳)

ج) افزایش واسطه‌های غیر ضروری

افزایش واسطه‌های غیر ضروری در جریان توزیع کالا و داد ستدها از دیگر نتایج احتکار است. با افزایش قیمت اجناس، طبعاً درآمد واسطه‌ها نیز رو به افزایش می‌رود، در نتیجه بسیاری از کسانی که به کارهای مفیدی مشغول بودند به سمت واسطه‌گری رو می‌آورند. امری که به جای ایجاد رقابت سالم بین توزیع‌کنندگان کالا و کاهش هزینه‌ها، خود، موجب بالا رفتن نرخ تورم می‌گردد، لذا آسیب احتکار صرفاً متوجه جنبه خاص جامعه نمی‌شود، بلکه مصالح کلی جامعه را هدف قرار می‌دهد.

د) از بین رفتن کالاهای احتکار شده

از دیگر پیامدها احتکار، از بین رفتن کالاهایی است که به امید بالا رفتن قیمت بیش‌از اندازه دوام آن، نگه‌داشته می‌شود و در نتیجه برخی از این کالاها غیرقابل استفاده و از دسترس مردم خارج می‌گردد که خود عامل افزایش تورم خواهد شد.

هـ) آسیب‌های روانی؛ جنگ محتکر با عواطف انسانی

هرچند ممکن است آسیب‌های دیگری نیز بتوان برای بزه احتکار برشمرد، از آنجا که این مختصر را مجالی برای پرداختن به همه آنها نیست، آخرین نکته‌ای که به عنوان آسیب روانی احتکار ذکر می‌گردد، جنگ محتکر با عواطف انسانی است، زیرا محتکر درست در زمانی که مردم از کمبود کالا رنج می‌برند و نیاز به تأمین مایحتاج خود دارند آنها را به منظور کسب درآمد گزاف پنهان نموده، منافع کل جامعه را فدای منافع خود می‌کند و مردم به خصوص قشر کم‌درآمد و مستضعف را در یک حالت اضطراب و نگرانی و از نظر بهداشت روانی در معرض تهدید و آسیب ویرانگری قرار می‌دهد.

۲. احکام تکلیفی احتکار

در یک نگاه کلی به کتب فقهی می‌توان این حقیقت را دریافت که در اصل ممنوعیت احتکار از دیدگاه مذاهب اسلامی هیچ گونه جای تردیدی نیست. نهایت بحثی که مطرح است مربوط به کراهت یا حرمت آن است و اینکه آیا نهی وارده در لسان روایات نهی تحریمی است یا نهی کراهتی؟ در این بحث از میان فقها هر دو دیدگاه طرفدارانی دارد. از جمله فقهای امامیه که معتقد به تحریم احتکارند می‌توان به شیخ صدوق (شمس‌الدین، پیشین: ۱۴۷)، قاضی ابن‌براج (همان: ۱۴۷)، یحیی بن سعید

حلی(همان)، علامه حلی(همان)، شهید اول(همان)، شهید ثانی(مسالك الأفهام، ج ۱۰: ۱۷۷) و... اشاره نمود.

در مقابل گروهی از فقها مانند شیخ طوسی، محقق حلی، شیخ مفید، سلار دیلمی و ابوالصلاح حلبی و... از علمای امامیه و دسته‌ای از فقهای حنفیه - ظاهراً مشهور آنان - قائل به کراهت احتکار می‌باشند.(شمس‌الدین، پیشین: ۱۴۸) که هر کدام از این دو گروه برای خود ادله‌ای ارائه نموده‌اند که به اختصار یادآوری می‌شود.

۳. دلایل حرمت احتکار

به نمونه‌هایی از این دلایل اشاره می‌شود:

۱. بعضی از روایات، محتکر را خطاکار معرفی کرده(نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۲۷۵، ح ۴) و روشن است که خطاکار مرتکب گناه است و گناه آن گاه محقق می‌شود که فعل حرام از کسی صادر شده باشد، زیرا عمل مکروه گناه محسوب نمی‌شود، در نتیجه احتکار حرام است.(شمس‌الدین، پیشین: ۱۶۶-۱۶۵) روایات زیادی که از طریق شیعه و سنی وارد شده ظهور در حرمت احتکار بلکه شدت حرمت احتکار دارد، تا آنجا که احتکار را موجب دخول در جهنم شمرده و آن را در ردیف گناهان معاصی کبیره مانند دائم‌الخمر و رباخوار و نظایر آن قرار داده‌اند.(منتظری، پیشین: ۲۶)

۲. محتوای نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر مبین حرمت احتکار است، زیرا حضرت در آن، دستور به جلوگیری از احتکار و مجازات محتکر را داده‌اند، روشن است که ماده و صیغه نهی چنان که در اصول فقه ثابت شده ظهور بر حرمت دارد. استدلال به فرمایش فوق امام به این گونه است که حضرت در این فرمان، امر به عقوبت و کیفر دادن محتکر فرموده‌اند و این خود، دلیلی است روشن بر حرمت احتکار، زیرا کیفر دادن بر عمل مکروه جایز نیست. اگر گفته شود احتکار هنگامی حرمت ذاتی و فقهی دارد که از ناحیه خداوند متعال تشریع شده باشد، این فرمان از احکام سلطانی و ولایی مانند نهی رسول الله صلی الله علیه و آله است که آن هم حکم ولایی و حکومتی بوده است. در پاسخ باید گفت حکم ولایی صادر از پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام فراگیر است و مقید به زمان و مکان خاصی نیست مگر آنکه قرینه‌ای بر اختصاص باشد.(همان، ص ۲۲)

۴. ادله کراهت احتکار

فقهای که قائل به کراهت احتکار می‌باشند، به دلایلی تمسک نموده‌اند، از جمله:

الف) اصل برائت

هرگاه در حرمت حکم شرعی شک نماییم، به برائت از حرمت حکم می‌کنیم. در اینجا نیز چون ادله نهی از احتکار مجمل است برخی از آنها ظهور در حرمت و برخی دیگر مانند صحیحہ حلبی صراحت در کراهت دارد، طبق اصل عملی «اصالة البرائة» حکم می‌دهیم به عدم حرمت و در نتیجه کراهت ثابت می‌شود.

ب) قاعده سلطنت

به موجب این قاعده که برگرفته از حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی، پیشین، ج ۲: ۲۷۲، ح ۷) است، مردم می‌توانند آنچه را در اختیار و سلطه خویش دارند هر طور که بخواهند تصرف کنند. از طرفی دیگر با احادیث منع از احتکار به طور متیقن می‌توان کراهت را ثابت کرد، لذا نمی‌توان قاعده سلطنت را مقید کرده و باعث دست برداشتن از شمول آن شد.

ج) روایات

معتقدین به این دیدگاه، روایات زیادی را دلیل بر کراهت احتکار می‌دانند از جمله صحیحہ حلبی، روایت سکونی و صحیحہ سالم حناط و... . مرحوم صاحب جواهر پس از فتوا به کراهت احتکار می‌نویسد: «اخبار باب احتکار، تقریباً بر کراهت احتکار تأکید دارد، چراکه ضرورت لسان این اخبار و اسلوب آن بیان کراهت است. به همین جهت در روایت صحیحہ حلبی تصریح بر کراهت شده و نیز مقید بودن آن در شهرها چه بسا مشعر به کراهت است، زیرا بر اساس قول به حرمت فرقی بین شهر و غیر شهر نیست». (منتظری، پیشین: ۵۹)

در مقابل گفته‌اند: چگونه اخباری که دلالت می‌کنند بر اینکه محتکران و دائم‌الخمرها و قوادها در وادی جوشان جهنم نگویند می‌شوند و عطر بهشت بر آنان حرام و محتکر ملعون و از رحمت خدا به دورند و او را باید به فروختن طعام مجبور ساخت و شایسته است او را کیفر داد و نزد خدا از سارق میغوض تراست و اخباری از این دست را باید توجیه کرد. (همان: ۶۰)

۵. مجازات محتکران

اسلام برای برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد توازن اقتصادی و تضمین حقوق مستمندان و درهم کوبیدن انواع منفعت‌طلبی‌ها، راهکارهای لازم و پیش‌بینی‌های مقتضی را در نظر گرفته است، از این رو بسیاری از معاملات، دادوستدها و اقداماتی از قبیل احتکار و ربا و امثال آن را که مصالح عمومی را در معرض خطر قرار می‌دهد ممنوع

ساخته است، لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: تاجر و کسی که برای رونق بازار کالاهای مورد نیاز را وارد می‌کند، کامیاب است، ولی احتکار کننده مورد لعن و نفرین است. فقها و دانشمندان اسلامی به اتفاق احتکار را ممنوع دانسته و برای محتکران مجازات‌هایی را بیان نموده‌اند که از جمله آنها اجبار محتکر به فروش و در مواردی ضبط اموال احتکار شده است. در قوانین موضوعه نیز به تبع از فقه اسلامی برای جلوگیری از احتکار، کیفرهای شدیدی از قبیل جریمه‌های نقدی، ضبط اموال، شلاق، حبس، لغو پروانه کسب و در شرایطی حتی اعدام در نظر گرفته شده است که این مجازات‌ها در قوانین به صورت مبسوطی بیان شده است:

اگر اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق احتکار عمده ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی به قصد ضربه زدن به نظام و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور باشد، مرتکب یا مرتکبین محارب و مفسد فی الارض شناخته شده و به مجازات اعدام محکوم خواهند شد و در غیر این صورت به حبس از پنج تا بیست سال محکوم شده و در هر دو مورد دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده است، حکم خواهد داد. ضمناً دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انتظار عمومی محکوم نماید. در مواردی که اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق احتکار عمده یا کلان یا فراوان ارزاق یا نیازمندی‌های عمومی نباشد مرتکب به دو تا پنج سال حبس و ضبط کلیه اموال که از طریق غیرقانونی به دست آمده است به عنوان نقدی محکوم خواهد شد. اگر این اقدامات از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها یا تعاونی‌ها و غیر این‌ها انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت یا شرکت یا به گونه‌ای دخالت داشته باشند، برحسب اینکه اقدام آنها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور منطبق باشد به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد. در این موارد اگر مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و به طور کلی مسئول یا مسئولین ذی‌ربط که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند و در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری هستند اقدام فوری و مؤثری انجام ندهند و از انجام تکلیف مقرر خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند معاون جرم محسوب شده و حسب مورد برابر مقررات ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی به حداقل مجازات مقرر در هر مورد محکوم خواهند شد. (شامبیاتی، پیشین: ۲۸۰-۲۷۹)

نتیجه گیری

بر اساس قاعده تسلط مردم بر اموال خود و حق مالکیت، هر شخصی حق دارد با سرمایه‌ای که در اختیار دارد به نحو دلخواه رفتار نماید، اما دامنه این آزادی تا جایی است که با حقوق و مصالح اجتماعی در تعارض نباشد، در موارد تعارض، عقل و شرع حکم می‌کند که مصالح جامعه بر منافع فرد مقدم داشته شود و آزادی‌های فردی در قالب مصلحت جمع محدود و کنترل گردد. مصداق اتم این ملاک، مسئله اختکار است، زیرا محترک با انبار نمودن ارزاق و مایحتاج عمومی سلامت اقتصادی و روانی جامعه را مورد تعرض قرار داده است، از این رو آسیب‌هایی که از ناحیه اختکار متوجه جامعه می‌شود بسیار گسترده است و در تمام ابعاد زندگی آحاد جامعه تأثیر منفی می‌گذارد. علاوه بر اینکه از لحاظ اقتصادی به مردم آسیب جدی وارد می‌گردد از نظر روانی در اضطراب و نگرانی ناشی از کمبود کالا و نیازمندی‌ها، آرمش و آسایش از جامعه رخت برمی‌بندد که در نتیجه منشأ بسیار از ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌های دیگر می‌شود. بر این اساس، مقنن در تبعیت از شرع به منظور دفاع از مصالح عمومی برای محترکان مجازات سنگینی در نظر گرفته است که در صورت تهدید سلامت جامعه و تمبرد از اجرای قوانین، حاکم اسلامی می‌تواند او را مورد مؤاخذه قرار داده تنبیه و تعزیر نماید، بنابراین حقوق مالک و سلطه او بر اموال خود تا آنجا که با حقوق دیگران اصطکاک و معارضه نداشته باشد، قانونی و محترم است، ولی در مواردی که با حقوق اجتماعی تعارض پیدا کند حقوق جامعه مقدم خواهد بود. از مباحث مطرح‌شده می‌توان به نتایج چندی دست یافت:

۱. مفهوم اختکار از منظر اندیشمندان و صاحب‌نظران در حوزه لغت، فقه و حقوق تفاوت ماهوی ندارد و می‌توان گفت به نوعی اتفاق نظر راجع به مفهوم اختکار وجود دارد که عبارت است از جمع نمودن و نگهداری هر چیزی که مورد نیاز مردم باشد و آن گاه آن را در انحصار خود درآوردن و منع نمودن دیگران از آن است، که قدر متیقن آن حبس طعام و ارزاق عمومی است.

۲. راجع به تعیین دامنه و موضوع اختکار میان اندیشمندان اتفاق نظر وجود ندارد، زیرا برخی آن را محدود به نوع خاصی از مواد غذایی می‌دانند و برخی به تمام انواع مواد غذایی سرایت می‌دهند و گروهی به همه مایحتاج عمومی اعم از ارزاق و غیر آن تعمیم می‌بخشند و هر کدام برای اثبات دیدگاه خود دلایلی عقلی و نقلی ارائه می‌نمایند.

۳. اختکار نیز همانند هر بزه دیگر، دارای عناصر سه‌گانه مادی، معنوی و قانونی است که با تحقق این عناصر و فراهم آمدن شرایط لازم به عنوان یک بزه و جرم تلقی خواهد شد.

۴. مهم‌ترین عواملی که منجر به روی آوردن سودجویان به سمت قربانی نمودن منافع عمومی به منظور کسب منافع شخصی می‌گردد، سودجویی، عدم آگاهی، ضعف اعتقادات دینی و گاه اغراض سیاسی است.

۵. اسلام به عنوان تنها دین حیات بخش بشری و به تبع آن قوانین موضوعه، برای حفظ سلامت اقتصادی و روانی جامعه علاوه بر اینکه احتکار را حرام شمرده، برای محترکان که از قوانین ترمرد نمایند، تنبیه و مجازات متناسب از اجبار به فروش کالا تا مرحله اعدام را در نظر گرفته است.

۶. آسیب‌های ناشی از پدیده احتکار بسیار گسترده و تمام ابعاد زندگی افراد جامعه را در بر می‌گیرد که گرانی و افزایش نرخ تورم، تغییر نقش تاجر از فعال و مفید به فرد زیان‌آور، افزایش واسطه‌های غیرضروری، نابودی و فاسدشدن کالاهای احتکار شده، آسیب‌های روانی، گسترش فقر، پیدایش بزهکاری‌های ناشی از آن و... بخشی از رهاورد رونق احتکار است.

۷. افزایش آگاهی‌های لازم به خصوص برای بازاریان، تاجران و پیشه‌وران، استحکام باورها و عقاید دینی، تعیین عقوبت‌های اخروی و مجازات دنیوی از مرحله اجبار به فروش کالا تا حبس، شلاق و درنهایت اعدام و... در کنار نظارت صحیح و مستمر حکومت اسلامی بر سیستم توزیع کالا و خدمات، از راهکارهایی است که می‌تواند سلامت و امنیت اقتصادی جامعه را تضمین نماید.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن ادریس، محمد (۱۴۱۰)، *السرائر*، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، نشر مکتب اعلام اسلامی.
- ابن قدامه، عبدالله (بی‌تا)، *المغنی*، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، ج ۳، بیروت: دار صادر.
- اصفهانی کمپانی، شیخ محمدحسین (۱۴۱۹)، *حاشیه کتاب المکاسب*، ج ۱، قم: ذوی‌القری.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۱)، *کتاب المکاسب*، ج ۱، قم: دار الذخائر.
- بهجت، محمدتقی (بی‌تا)، *جامع المسائل*، ج ۱، قم.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۶)، *إرشاد الطالب إلی التعلیق علی المکاسب*، ج ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵)، *ترمینولوژی حقوق*، ج ۱۶، تهران: گنج دانش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷)، *صاحح اللغة*، ج ۴، بیروت: دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳)، *ترب الاسناد*، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- خمینی، روح الله (۱۴۲۱)، *کتاب البيع*، ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵)، *حقوق کیفری اختصاصی*، ج ۵، تهران: زوین / مجد.
- شمس الدین، محمد مهدی (۱۳۷۸)، *احتکار در اسلام*، ترجمه مرتضی آیت الله زاده، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طوسی محمد بن حسن (۱۳۶۵)، *تهذیب الأحکام*، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۰۰)، *النهاية*، ج ۲، بیروت: دارالکتب العربی.
- _____ (بی تا)، *الاستبصار*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۱۴)، *الامالی*، ج ۱، قم: دار الثقافة.
- عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۰۹)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ج ۱، قم: داوری.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، *العین*، ج ۲، قم: دار الهجرة.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، *القاموس المحیط*، بیروت: دار العلم للجميع.
- قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، قم: انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، *الکافی*، ج ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۲)، *تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام*، نشر اندیشه های نو در علوم اسلامی.
- محمد صالح عبدالله (بی تا)، *کتاب احتکار یا خیانت به جامعه*، ترجمه فهیم کرمانی.
- مفید، محمد بن محمد بن النعمان (۱۴۱۰)، *المقنعة*، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱)، *فقه امام صادق (ع)*، ج ۲، قم: مؤسسه انصاریان.
- متقی هندی، علاء الدین (بی تا)، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- منتظری، حسین علی (۱۳۶۷)، *احتکار و قیمت گذاری*، تهران: انتشارات کیهان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل*، ج ۲، بیروت: مؤسسه آل البيت.
- _____ (بی تا)، *خاتمة المستدرک*، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.